

لزوم تعیین حریم برای بناها و محوطه‌های تاریخی

ابزاری برای صیانت از میراث فرهنگی

سعید محمود کلایه | کارشناس حفاظت از بناهای تاریخی



عکس: ایراد

نگاهی به مقوله حریم میراث فرهنگی محدوده ارزش‌ها

مهدی معمارزاده | کارشناس مسئول میراث فرهنگی استان تهران

حریم از ریشه کلمه حرم به معنای بازداشتن از ورود و نفوذ نامناسب‌ها به محدوده‌ای والا و دارای احترام و برای موجودی واجد ارزش‌های خاص است که جنبه‌های مختلفی از ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و اعتقادی جوامع را دربرمی‌گیرد. رعایت حریم آثار واجد ارزش‌های خاص مرتبط با جوامع انسانی و انسان و محیط زندگی او از جمله این گونه حریم به‌شمار می‌آیند که همچنین شامل توجه به ابعاد مختلف کالبدی - ساختاری و منظری آثار تاریخی و مدرن ارزشمند می‌شود. ارزش‌هایی که با هویت جوامع گره خورده است و در واقع وجه تمایز میان فرهنگ‌های گوناگون است. ایران با پیشینه تاریخی طولانی و غنای فرهنگی بالا، اقوام متنوعی را در درون خود گرد آورده است که در طول تاریخ پرفراز و نشیبش به‌دلیل وجوه اشتراکات معنوی و مادی همچنان در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. هزاران سال تلاش مردمانی سختکوش در بهینه‌سازلی روش‌های زیستن و تعامل با طبیعت و هم‌نوعان در قالب معماری، ادبیات، عرفان و انواع فنون و هنرها تجلی یافته است، اما معماری که روح زندگی اجتماعی را در قالب ساختارهای مورد نیاز جامعه مستجم کرده است، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای مردمان این سرزمین است که در طول تاریخ یکجانشینی بشر در این سرزمین شناسنامه‌های سرشار از اصالت و کمال را به همراه دارد که نمایانگر شأن و جایگاه والای معماری ایران در جهان است. فن و هنر توأمان در قالب بناهای آیینی همچون مساجد، آرامگاه‌ها، آتشکده‌ها و بناهای حکومتی همچون کاخ‌ها، کوشک‌ها، قلاع و تاسیساتی همچون راه‌ها، پل‌ها، سد‌ها، قنوات، آب‌انبارها و بناهای خدماتی همچون کاروانسراها، بازارها و در نهایت بناهای مسکونی در چهارچوب بافت‌های تاریخی تجلی یافته و بر مبنای محله‌محوری، یکی از کامل‌ترین روش‌های زندگی اجتماعی را به نمایش گذارده که امروزه این اصل شهرسازی ایرانی مورد توجه جامعه‌شناسان و شهرسازان ملل مترقی قرار گرفته است. در زمینه باغ‌سازی نیز کشورهای اروپایی با ایجاد باغ‌شهرها در صدد برقراری ارتباط بین طبیعت و انسان کوشیده‌اند، روشی که از ابتدای ایجاد ساختارهای شهری در ایران متداول بوده است؛ ازجمله در پاسارگاد، شوش، اصفهان، کاشان، یزد، کرمان، شیراز و ... هم‌اکنون نیز در بسیاری از شهرهای ایران باقیمانده باغ‌ها همچنان نشان از این شیوه شهرسازی دارد که متأسفانه روزبه‌روز از وسعت آن کاسته می‌شود. در حالی که این دستاورد مهم شهرسازی ایران از این سرزمین رخت برمی‌بندد، می‌بینیم در جوامع غربی از اوایل قرن بیستم و مشخصاً از سال ۱۹۰۶ میلادی در چهارچوب ضوابطی به ایجاد باغ‌شهرها همت اقدامات و فعالیت‌هایی در شرایط کنونی کشور ما، تعیین حریم برای آثار تاریخی، فرهنگی و طبیعی تنها چاره و راهکاری است که می‌تواند اندک باقیمانده دستاوردهای ارزشمند نیاکانمان را برای آیندگان حفظ کند.

به این دلیل رعایت آن بیش از هر زمانی احساس می‌شود تا از این طریق بتوانیم ارزش‌ها را حفظ کنیم و هویت را به شهرهایمان بازگردانیم که به‌ویژه در شهرهای بزرگ و خصوصاً تهران ضرورت بیشتری می‌یابد. ازجمله حفظ حریم کاخ‌های سعدآباد، نیاوران، مرمر و گلستان در محدوده مرکزی و همچنین حفظ حریم بناها و بافت‌های تاریخی که روزه‌به‌روز عرصه بر آنها تنگ‌تر می‌شود و نیز محوطه‌های باستانی که از آن میان تپه باستانی چشمه‌علی و دژ رشکان مهم‌ترین این موارد در تهران به‌شمار می‌آیند که هم‌اکنون ساخت‌وساز پیرامون این آثار بی‌بندل را مخدوش و در مواردی به نابودی نزدیک کرده است.

تهران به‌دلیل موقعیت خاص سوق‌الجیشی و قرارگیری در دامنه البرز، همچنین به‌علت ساختار خیابان‌ها و محله‌های آن، امروز به پارکینگ‌های برای خودروها تبدیل شده است. معضلات تأمین آب، آلودگی‌های محیطی و مشکلات عدیده‌ای که این شهر را دربر گرفته، وضع آن را بسیار پیچیده کرده و وظیفه‌های سنگین را بر دوش مسئولان و متخصصان دولسو بر جای گذاشته است که جز با درایت و دوراندیشی نمی‌توان از این وضع رهایی یافت. لذا حفظ باقیمانده باغ‌ها، بافت‌های تاریخی و سایر ارزش‌های موجود نظیر مراکز محلات (نیاوران، وندیس، هفت‌چنار و ...) با اعمال ضوابط حریم و اجرای قانونمند آن کمکی است در راه نجات پایتخت ایران از این وضع بغرنج و امید می‌رود که مسئولان و متولیان ذریعت به موق و پیش از آن که خیلی دیر شود به این مسأله توجه جدی کنند.

درباره وخامت شکست حریم آثار ملموس تاریخی

نقض متناقض

علی رنگینجان | عضو هیات علمی دانشکده هنر سمنان

تا عهد تو درستم، عهد همه بشکستم، بعد از تو روا باشد نقض همه پیمان‌ها وقتی شکستن حریم رایج شود، فرقی نمی‌کند که در چه مقوله‌ای اتفاق بیفتد. حریم شخصی باشد یا حریم اجتماعی؛ حریم افراد باشد یا حریم اشیا. قبح حرمت‌شکنی که ریخت، به همه جاسراست می‌آید.

زمانی بود که در کوی و برزن این سرزمین و در جای جای شهرها و روستاها و در نقطه نقطه و گوشه گوشه کوی و برزن‌ها هر آنچه می‌دید بر مبنای احترام بود و حفظ حرمت. سکوی پشت خانه‌ها بود برای دمی آسایش و استراحت رنگداری خسته و در مانده. سالیان‌هایی در گذر پیاده‌روها برای مراقبت آدم‌ها از گرما، کوبه‌های زنده و مردانه برای اطلاع صاحب‌خانه از فردی که پشت در ایستاده است.

پشت‌بام‌ها فضای زندگی بود و حیاط‌ها مکانی برای دوهمی خانواده‌ها. خانه‌ها حوض و باغچه داشت و همه در حریم امنی مستور و پوشیده از نگاه غریبه از فضای خصوصی خود بهره‌کام می‌بردند.

اما به تدریج محدوده حریم تنگ و تنگ‌تر و نقض آن گسترده و گسترده‌تر شد. گسترش بی‌رویه و بدون چشم‌انداز مشخص در مراکز سکونت‌ی باعث شد مبنای احترام نادیده گرفته شود و آرام‌آرام هم‌نشینی متناقض میان الگوهای پایدار و ارزشمند تاریخی و عملکردهای بی‌هویت و آشفته، امروز صورت پذیرد.

مفاهیمی همچون خط آسمان، همسانی و بوم‌آوردی به ارزش‌هایی کمرنگ و ناملموس تبدیل شد و همه چیز در سایه سوداگری و سودجویی رنگ باخت. مسجد که خود نمادی از ارج و آزر بود در موقعیت‌هایی، عملکردی به‌عکس آموزه‌هایش یافت. مسجد تاج‌الدین علیشاه گیلانی معروف به ارگ علیشاه در تبریز، میراث برج‌های مانده از دوران ایلخانان، نخستین بار با احداث مصلی در حریم بلافصل خود، به پروژه مسجد در برابر مسجد بدل شد و نقض حریمی آشکار در کنار آن صورت پذیرفت. مصلی در برابر پیر صداساله فر توت قد علم کرد و آن را در محاق فرورد و این حرمت‌شکنی با دورخیز برای احداث پارکینگ ادامه یافته است.

در سال‌های گذشته برج غول‌پیکر جهان‌نما در اصفهان، خط آسمان میراث جهانی میدان نقش جهان را مخدوش کرد و تنها با فشار بین‌المللی این ماجرا ختم به خیر شد.

در تهران اوضاع بسیار وخیم‌تر از اینهاست. تقریباً در پایتخت حریم معنایی ندارد و متجاوزان روزه‌به‌روز راه تنفس آن را بیش از پیش می‌بندند و عرصه را بر آنها تنگ‌تر می‌کنند. خانه‌موزه مقدم در سایه یک ساختمان نوساز، چون پیری فر توت در محاصره منتظران احتشاش‌گرا رفتار شده است.

بسیاری دیگر از آثار تاریخی تهران وضعیتی مشابه با وخیم‌تر دارند. در پایتخت تجاوز به حریم، حتی جای خود را به تخریب و پاکسازی داده است. ماجراهای اخیر همچون ویلای نمازی، خانه ملکه توران، باغ فخرالدوله و بسیاری دیگر از اتفاقات مشابه خبر از فراموشی حریم در این کلانشهر می‌دهد.

دیگر شهرها و روستاهای تاریخی ما نیز اوضاع بهتری ندارند و هر روز خبری از اتفاقات مشابه به گوش می‌رسد.

حریم که در گذشته اصلی بی‌چون و چرا و مسلم به‌شمار می‌رفت، امروز به محدوده‌ای برای چانه‌زنی و اعتراض بدل شده است و احترام به ارزش‌های تاریخی منافی است که دیگر خریداری ندارد.

حریم آن است که اثر را از مواردی که ارزش‌های فرهنگی آن را به خطر می‌اندازد، حفظ کند؛ بنابراین یک مسأله آن است که معلوم شود ارزش‌های اثر میراثی چیست و حوزه حریم چگونه از آنها حفاظت خواهد کرد. به همین ترتیب، باید مشخص کرد که تهدیدهای بالقوه برای اثر میراثی چیست و نقش حوزه حریم در رفع و به حداقل رساندن آنها چه خواهد بود. به لحاظ اقدامات و فعالیت‌هایی که می‌تواند ارزش‌های اثر میراثی را به مخاطره بیندازد، تعیین مواردی چون انواع آلودگی‌های ناشی از ترافیک، میراثی، ساخت‌وساز، معابر، لرزش‌ها و بلایای طبیعی و تأثیر حریم برای مقابله با آنها به چه صورت خواهد بود.

از دیگر مسائل حایز اهمیت در این فرآیند باید ضوابط، محدودیت‌ها و نحوه مدیریت تا مد نظر قرار داد. پاسخ به این پرسش که چه محدودیت‌هایی در حوزه حریم می‌بایست اعمال شود تا کارایی لازم را داشته باشد، در تعیین ضوابط تأثیر بسزایی دارد. به طور قطع، حوزه حریم باید بخشی از سیستم مدیریت اثر باشد و خود حوزه حریم نیز می‌بایست مدیریت شود. از این رو باید مشخص کرد که سیستم مدیریتی کنترلی مناسب برای حوزه حریم چیست. میزان کارایی ضوابط قانونی در حوزه حریم و تأمین حفاظت قانونی از میراث فرهنگی توسط مرزهای تعیین‌شده تا چه حد خواهد بود؟ پاسخ به این پرسش نیز نباید از نظر دور نگاه داشته شود. توجه به مسائلی کم‌اهمیت‌تر چون نحوه مشخص کردن فیزیکی مرزهای حریم در اطراف اثر میراث فرهنگی نیز نباید فراموش شود. محدودیت‌های قانونی با تاریخی‌هایی از سوی مالکان همراه است که داشتن پاسخ به چرایی و چگونگی تعیین حدود می‌تواند به اقتضای این افراد کمک کند. هر چند به لحاظ اقتصادی، تأمین منافع چنین املاکی از طرق جایگزین راهکار موثرتری خواهد بود.

در انتها و به‌عنوان جمع‌بندی، فارغ از تمامی مباحث مطرح‌شده باید به خاطر داشت که تعاریف مختلف در ارتباط با انواع حریم‌ها، روند تعیین آن و حتی درک درست از چستی حریم، تنها به لحاظ ادبیات تخصصی و گفت‌وگو میان متخصصان امر اهمیت دارند و همگی به‌نوعی در قیاس با موضوع میراث فرهنگی حاشیه محسوب می‌شوند. باید توجه داشت که تمرکز بر این موضوعات نباید توجه از اموال میراثی (بناها، محوطه‌ها و مجموعه‌های تاریخی) منحرف کرده‌حوالی را برنگرداند. سازد، متأسفانه با نگاهی به شرایط کنونی آثار ثبت‌شده و نحوه برخورد با پست‌رگرایی آنها می‌توان این خطر را احساس کرد که آنچه در حقیقت مغفول مانده است، نه حریم، بلکه خود میراث فرهنگی است.

به دنبال حفظ هویت شهرهای خود هستند، موظفند تا تمامی این نشانه‌های تاریخی را شناسایی و حفظ کنند. معمولاً ضوابط مربوط به حریم‌گذاری، به عرصه یک اثر تاریخی و واحدهای مجاور آن اختصاص یافته و ضوابط مربوطه در همین محدوده متوقف می‌شود و به نظر می‌رسد که یافتن چارچوبی برای حفظ این چشم‌اندازها به فراموشی سپرده شده است. امروزه در سراسر دنیا به دنبال راهکارهایی هستند که این چشم‌اندازها را با استفاده از اصول طراحی ویرانه‌ریزی مناسب شهری حفظ کنند؛ برای مثال می‌توان از شهر بوستون آمریکا نام برد که با تاریخ ۳۰۰ ساله تلاش دارد تا برخی از این نشانه‌ها را شناسایی و با تعریف یک پروژه مطالعاتی ضوابطی را برای حفظ و ارتقای این نقاط تدوین کند. با توجه به مطالب فوق، بناهای مذکور به‌واسطه ارزش تاریخی، قدمت و تا حدودی ماهیت نشانه‌های خود نسبت به عرصه قرارگیری، شرایطی را در مجموعه فرودگاه ایجاد خواهند کرد که هر گونه طراحی جدید باید به‌نوعی با دیده احترام به عنصر تاریخی و بانگهای فراترانه نسبت به آن طرح‌ریزی شود. مقررات مربوط به این بخش نیز باید با همین رویکرد تدوین شده‌باشند.

روند تعیین حریم؛ انتخاب حریم‌ها نوعی داور است که بر مبنای ماهیت شاخصه‌ها و انسجام اثر و بستر فیزیکی آن صورت می‌گیرد. در زمان گردآوری اطلاعات میدانی و کتابخانه‌ای، مسئول تعیین حریم موظف است تا تمامی مولفه‌های کاربردی و تأثیرگذار بر حریم را به حساب آورد. در زمان ارزیابی شاخصه‌ها، حریم‌ها مجدداً ارزیابی می‌شوند تا از ارتباط مناسب میان وجوه شاخص‌کننده‌اثر با حوزه فیزیکی آن مطمئن شد. خطوط حریم باید دربردارنده محدوده تمامی منابع فرهنگی مرتبط با اثر باشند. این منابع فرهنگی معمولاً در حوزه بلافصل بنا قرار داشته و شامل بستر بنا نیز می‌شود. با این حال جدا ساختن بخش‌هایی از محیط پیرامونی نقش مستقیمی در شناختن بودن آن ندارد، تحت لوای حریم حایل، برای جدا ساختن بنا از محیط پیرامونی (از لحاظ قانونی) مفید است. محدوده‌های واقع در حریم (که نتیجه تغییرات، اصالت فرهنگی و انسجام خود از دست داده‌اند، نیز باید به‌صورت جداگانه مشخص شوند. در تعیین خطوط حریم بعضاً باید نگاهی فراتر از تعیین خطوط بر مبنای ارزش‌ها داشته و به مواردی نظیر خطرات بالقوه و بالفعل در مقیاس خرد، متوسط و کلان نیز توجه داشت.

معمولاً یکی از راهبردهای مناسب برای عملیاتی کردن روند تعیین حریم، طرح سولاتی است که تعیین حریم باید بدان پاسخ‌گویند، برای مثال، مشخصاً نقش حوزه حریم‌ها حایل بعضاً از جنبه بصری نیز موضوعیت می‌یابند که در برخی موارد، تحت عنوان دیگری با نام حریم بصری یا منظری نیز مورد بحث قرار می‌گیرند. آنچه در اینجا بدان پرداخته می‌شود، موضوع حریم و منظر شهری است. به‌طور قطع، هویت شهر ارتباط نزدیک و تنگاتنگی با عوامل و عناصری تاریخی است یا شکل می‌دهند. برخی از این ساختارها و چشم‌اندازها به‌تنهایی می‌توانند چهره شهر را به‌یاد یاد کنندگان و سکنه شهر نشان دهند. مدیران شهری و مردمی که

در فرآیند برنامه‌ریزی برای انبیه، مجموعه‌ها و محوطه‌های تاریخی، تشریح خطوط حریم‌ها این آثار به منزله بخشی از شناسایی و توصیف محسوب شده است و تعریف حریم‌ها و وضع مقررات مربوط به نواحی مختلف واقع در آن، به‌مثابه بخشی از ارزیابی صورت‌گرفته در خصوص زمینه‌های قانونی ورود به موضوع حفاظت از اثر به‌شمار می‌آید. حریم‌های میراث فرهنگی علاوه بر اهمیتی که به لحاظ ملزومات قانونی برای بناها و محوطه‌های تاریخی دارند، برای اطمینان از مدیریت بهتر و صیانت از آنها نیز به‌مثابه ابزاری ضروری هستند. به‌همان اندازه که نداشتن حریم می‌تواند خطری جدی برای انسجام محوطه‌های تاریخی و میراث فرهنگی به دنبال داشته باشد، تعریف نادرست حریم که به‌روشنی تمامی جنبه‌های قانونی و برنامه‌ریزی مرتبط با اینده اموال فرهنگی را در نظر نگرفته است، خطر آفرین خواهد بود. صرف‌وقت در تعیین حریم، به دلایل زیادی از اهمیت بالایی برخوردار است؛ چرا که در این مرزهای قسار دادی، منابعی موضوعیت می‌یابند که مشارکتی جدی در شاخص شدن اینبه تاریخی دارند. در برخی از کشورها، آنگاه که قوانین ملی و محلی ملزم به صرف توجه ویژه برای منابع تاریخی هستند، بعضاً به قوانین مرتبط با حریم‌ها از جاع داده می‌شوند تا بتوانند قوانین اجرایی با نظرات بر طراحی را بکارگیرند. بررسی حریم از منظر کلان مدیریت و خطرات ناشی از حوادث نقش مهم‌تری را به این مفهوم خواهد بخشید؛ چرا که در بسیاری از موارد سرچشمه خطرات تهدیدکننده آثار می‌تواند در داخل محدوده بلافصل آن یا محیط پیرامونی باشد.

به‌طور معمول حریم‌ها در لایه‌های مختلفی طراحی می‌شوند و هر یک به‌فرخور نقشه‌ای که ایفا می‌کنند، نامگذاری می‌شوند؛ تجربیات نخستین حریم‌گذاری‌های صورت‌گرفته برای اموال فرهنگی، عمدتاً روی حریم‌های فنی (Core Zone) متمرکز می‌شد و به‌مرور زمان، جنبه‌های دیگری نیز بدان افزوده شد. تعریف حریم فنی، به معنای تعیین یک محدوده فضایی و کاربری آن است. مطابق با این موضوع، حریم فنی محوطه‌های میراث فرهنگی باید شامل تمامی عناصری باشد که به‌نوعی دربردارنده شاخصه‌های اثر است و مواردی را که در انسجام محوطه میراثی نقش دارند (حتی عناصر طبیعی) نیز شامل شود. از این خط‌قراردادی با عنوانی چون عرصه، حوزه بلافصل یا مواردی از این دست نیز یاد می‌شود. تدوین ضوابط برای ترسیم حریم‌های میراثی با هدف مشخص ساختن یک محدوده کاملاً مشخص با آثار میراثی که از ارزش یکسانی برخوردارند و مشخص ساختن نحوه تعیین حدود چنین محوطه‌هایی، پیچیده‌تر

از در مسجد می‌گذرم، به شبستانی می‌رسم که با میله‌هایی خشن، ورود به دو قسمت زانه و مردانه برزنتی می‌کند، سلیقه و کثیفی را کنار می‌زنم، نور می‌تابد بر صورت‌م و صحنی بزرگ رخ می‌نماید که با معماری مهربان ایرانی بی‌گانه نیست. تاور نور حیطا بنبرهایی رنگارنگ مناسب‌ت‌ها را فریاد می‌زنند. در اطراف حیطا بدون هیچ تفران و محاسبه‌ای گلدان‌های کوچک و بزرگ و رنگارنگ دیده می‌شود. در گوشه و کنار حیطا هم اتاقک‌های تو جویی ساخته شده است. کولرهای گازی و آبی همسایگان مسجد هم نمای بیرونی را به شدت نازیبا کرده است. این‌جا همه چیز جز هویت زنده مسجد در میدان دیدبیننده سر کم می‌کند، گویی همه عوامل دست‌به‌دست هم داده‌اند تا فضای تاریخی را به انباری ناهمگونی تبدیل سازند. خوب که می‌نگری، می‌توانی نفس‌های به‌شماره افتاده کاشی‌ها و تزیینات داخلی مسجد را بشنوی یا سرفه‌های کش‌دار مناره‌ها را که در آسمان

روایتی از تعرض به حریم یک مسجد تاریخی

همسایگان ناهمگون

پگاه امیری | نویسنده

خود می‌اندیشند، سخن از نقض حریم به فانتزی کودکی‌های می‌ماند.

غیر از خلاهای قانونی و وضع نابسامان اجرایی، صیانت از حریم میراث فرهنگی با مقوله فراگیر دیگری نیز ارتباط دارد که معمولاً از نظرها مستور می‌ماند. بسیاری از افراد جامعه در هیاهوی هر روز زندگی از شلختگی فکری، آشفته‌گی ذهنی و گاهی بی‌سلیقه‌گی رفتاری رنج می‌برند. اگر این همه را بگذرانیم کنار هزار و یک معضلی و گرفتاری دیگر، آن وقت به سادگی می‌توان بی‌تفاوتی جمعی را در برابر حفظ انواع حریم، به‌خصوص حریم آثار تاریخی، توجیه کرد. آن‌جا که یک گردشگر روی نقوش برجسته دست‌ساز استادکار طرحی نو

پردود شهر مخفی شده‌اند.

این فضای یک مسجد تاریخی در دل شهر زرگی است که این روزها نقض حریم در آن نه‌تنها از زیبایی تاریخی‌اش می‌کاهد، بلکه چشم‌ه‌ربیننده آگاهی را هم می‌آزارد.

از این منظر، مثال‌های بسیاری می‌توان آورد. آنچه در این میان، غیر از خلاهای قانونی و انتقادات کلی به مقوله حفظ حریم، وجود دارد بی‌تفاوتی جمعی و انفعال هویتی موزیانه‌ای است که در تمام امور فرهنگی به شدت دیده می‌شود. پرواض است آن‌جا که سود روزانه یک دستفروش پهناهای برای توجیه بساط‌گردش در مقابل یک مکان تاریخی است یا همسایگان یک مکان تاریخی تنها به رفاه و آسایش